انترناسیونال ٧٤١

کاظم نیکخواه

**از اسلام برگشتگان**

این هفته سایت خبری بی بی سی برای اول بار از "اسلام برگشتگان" یا "اکس مسلم" گزارشی منتشر کرد. عنوان گزارش این خبرگزاری "از دین برگشته هایی که در دانشگاههای آمریکا تور میگذارند" بود. اینکه بی بی سی ده سال پس از شروع جنبش اکس مسلم در بغل گوش خود در اروپا و گسترش آن در کشورهای مختلف و برگزاری کنفرانسهای متعدد توسط مینا احدی و مریم نمازی و با شرکت شخصیتهای متعدد و وشناخته شده اروپایی و آسیائی، لام تا کام از این حرکت سخنی نگفت، کاملا برای کسی که با سیاست راست این بنگاه آشنا باشد، قابل فهم است. اما شکستن سکوت در مورد اکس مسلم و انتشار گزارشی از اکس مسلم آمریکا خیلی در سنت معمول رسانه ای مثل بی بی بی سی نیست و دلایلی دارد که اینجا مورد بحث من نیست. بلکه میخواهم کمی روی خود اکس مسلم و این گزارش تمرکز کنم.

روز ٢٨ فوریه ٢٠٠٧ نهاد اکس مسلم با کمپینی با عنوان “من از مذهب رویگردانم” در محل کنفرانسهای مطبوعاتی دولت آلمان در برلین به جامعه بین المللی معرفی شد. چند هفته بعد در انگلستان نهاد اکس مسلم انگلیس تاسیس شد. این آغاز یک حرکت در سطح جهان بود که بر فضای دنیا بسیار تاثیر گذار بود و همچنان تاثیر گذار خواهد بود. برای اول بار آن زنان و مردانی که از اسلام و دین بریده بودند و زیر فشارها و تهدیدات و آزار مرتجعین اسلامی قرار داشتند، صدایی پیدا کردند. نماینده و سخنگویانی پیدا کردند و صدایشان به نحو رسایی توسط اکس مسلم ها شنیده شد. کم نبوده اند از دین برگشتگانی که توسط اسلامیون به قتل رسیده اند.

کسانی که اکس مسلم را بنا نهادند شاید خود از این اسم چندان راضی نبودند. بلاخره کسی که میگوید من اکس مسلم هستم، هویت خودرا در ارتباط ویژه اش با یک مذهب بیان میکند. درست همانگونه که کسی که میگوید من مسلمان هستم، کل هویت خودرا با عقیده مذهبیش بیان میکند، کسی هم که میگوید من از اسلام بریده هستم، هویت خودرا به نحوی با عقیده اش در مورد یک مذهب بیان میکند. و این یک موقعیت انحصاری به مذهب در رابطه با انسانها میدهد که اساسا مطلوب نیست. اما این حرکت و این اسم گذاری عکس العملی در برابر یک واقعیت اجتماعی تلخ و تکان دهنده است. "اکس مسلم" یک جنبش سیاسی است. یک حرکت انسانی است. یک سنگر دفاع از آزادی عقیده در برابر تعرضات خشن و بی پروای اسلامیون ارتجاعی است. اگر از این جنبه نگاه کنیم، و به مشقات از اسلام برگشتگان که جرات ابراز وجود تاکنون نداشته اند و بسیاری قربانی شده اند فکر کنیم، و در مقابل به کارنامه بسیار درخشان جنبش اکس مسلم طی همین ده سال گذشته نگاه کنیم، انگاه متوجه میشویم که ایرادات برخی از "منزه طلبان چپ" به این اسم چقدر غیر سیاسی است و مخالفت با این حرکت به این بهانه، تا چه حد راست و ارتجاعی است. جنبش اکس مسلم یا از اسلام برگشتگان یا هر نام دیگری که بر آن بگذاریم، حرکتی است که بطور واقعی بشریت امروز را در برابر تحمیلات ارتجاعی اسلامیونی که میخواهند جامعه را از آزادی عقیده و فکر کردن محروم کنند و به قهقرا ببرند، به بهترین نحوی نمایندگی میکند. اکس مسلم هویت بر پا کنندگان این حرکت نیست، بلکه حرکت و نهادی است که به اسلام برگشتگان جرئت میدهد که زورگویی مرتجعین اسلامی و دول و بنگاه هایی که از آنها جانبداری کنند را در هم بشکند. به آنها شهامت ابراز وجود داده است. اکس مسلم تریبونی است که بنحو بسیار موثری اسلام سیاسی را در حق انتخاب عقیده و یا خروج از دین بچالش کشیده است و جهانی شده است. کسی که حقیقت سیاسی این حرکت را نبیند و به نتایجی که ببار آورده است نگاه نکند، اگر خود را به نادانی نزده باشد، بی شک اهمیت این حرکت را متوجه نیست.

**اکس مسلم شمال آمریکا**

در آمریکا نیز مثل خیلی جاهای دیگر دنیا شمار قابل توجهی از مردمی که خودرا مسلمان میدانند زندگی میکنند و بسیاری از مردم از کشورهای اسلام زده نیز هستند که اسلام به آنها تحمیل شده است و از اسلام بریده اند. و میخواهند زندگی باب طبع و انتخاب خودرا داشته باشند. کم نیستند از اسلام بریده هایی از کشورهای مصر، عربستان، پاکستان، لیبی و دیگر کشورهای آفریقایی و غیره که با شروع جنبش اکس مسلم جرات پیدا کرده اند کم کم خودرا آفتابی کنند و علنا از عقاید خود دفاع کنند. این یک تحول مثبت و مهم است که دارد بسرعت گسترش پیدا میکند.

گزارش بی بی سی که نویسنده اش کسی بنام "اون ایمس" میباشد گوشه ای از این واقعیت را بیان میکند و از گروهی از اکس مسلمها سخن میگوید که بنا به این گزارش بیش از هزار نفر از اسلام بریده ها از ٢٥ شهر را دور خود جمع کرده اند. این گزارش اینطور شروع میشود "مسلمانانی که ترک مذهب می‌کنند، در بسیاری از موارد مرتد محسوب می‌شوند و هدف آزار و خشونت قرار می‌گیرند. اما در آمریکا گروهی از اسلام برگشته‌ها در دانشگاه‌ها تور گذاشته‌اند و کارشان را تبلیغ و تشریح می‌کنند" او ادامه میدهد "محمد سید ده سال پیش ترک مذهب کرد و به یک "مسلمان سابق" تبدیل شد. او در آمریکا به دنیا آمده و در پاکستان و با اعتقاد کامل به اسلام بزرگ شده است. او می‌گوید: "شما با هیچ گونه شک و تردیدی روبرو نمی‌شوید... اطراف شما همه معتقدند. اما در سال ۲۰۰۷ او متوجه یک واقعیت شد: این که او دیگر اعتقاد ندارد."

گزارش از قول محمد میگوید "یک نفر بود که او را از زمان دبیرستان می‌شناختم... با هم در یک دانشکده درس خواندیم و خیلی به هم شبیه بودیم، او هم مانند من لیبرال بود. بعد از مدتی نیم متر ریش گذاشت. سر و شکل دوست محمد او را ترساند. "او از عذاب و فشار شب اول قبر حرف می‌زد... و می‌گفت این یک مسئله واقعی است که کسانی آن را مشاهده کرده‌اند - تفکری به شدت خرافاتی. ...با پیشینه علمی که داشت صحبت درباره این چیزها برایم عجیب بود. همین باعث شد که حدود یک سال برای نگاه دوباره به مذهب وقت گذاشتم." محمد قرآن و حدیث و روایت خواند. "قبل از آن دیدگاهم این بود که اسلام دینی انسان‌گرا و علمی است، حرف‌هایی که مرتب می‌‍شنوید.می‌خواستم به دوستم نشان دهم که نگاهش اشتباه است. اما وقتی که حسابی با او سر و کله زدم کاملا برایم روشن شد که دیدگاه او در واقع دیدگاهی اسلامی است..."

در جریان یک برنامه جمعی او سارا حیدر را دید.؛ زاده پاکستان و بزرگ شده در تگزاس. سارا ۱۵ یا ۱۶ ساله بود که ترک مذهب کرد. او هیچ "مسلمان سابق" دیگری را ندیده بود. سارا می‌گوید: "وقتی محمد گفت که او هم ناباور است، حرفش را باور نکردم. فکر کردم دارد شوخی می‌کند. وقتی فهمیدم دارد جدی می‌گوید شگفت‌زده شدم." سارا والدینش را این طور توصیف می‌کند: "محافظه‌کارتر از عموم خانواده‌های غربی و لیبرال‌تر از بیشتر مادر پدرهای مسلمان." سارا می‌گوید: "هیچ وقت با من بدرفتاری نکردند. اما هیچ وقت هم از انتخاب‌های من راضی نبودند. هر قدمی که برمی‌داشتم مانعی جلوی راهم می‌گذاشتند... خیلی طول کشید تا درک کنند که این یک تصمیم آگاهانه است و تا حدی برای انتخاب من احترام قائل شوند. اما بالاخره به آن مرحله رسیدند، در حالی که والدین بسیاری از کسانی که اسلام را کنار می‌گذارند، چنین درکی نشان نمی‌هند."

"من بعدا کسانی را شناختم که به همین دلیل ارتباطشان با خانواده قطع شده بود؛ چه به دلیل ترس از آزار و اذیت جسمی و روحی و چه به این دلیل که خانواده آنها را طرد کرده بود."

محمد و سارا بعد از شناختن یکدیگر تصمیم می‌گیرند دیگرانی را هم که شبیه خودشان هستند، پیدا کنند.

محمد می‌گوید: "سارا فکر می‌کرد تنها است. فکر کردیم احتمالا خیلی‌ها این طور فکر می‌کنند."

آنها تصمیم گرفتند به شهرهای دیگر بروند. در پاییز سال ۲۰۱۳ محمد و سارا گروه "مسلمانان سابق آمریکای شمالی" را تشکیل دادند و تبدیل به چهره عمومی ترک مذهب شدند.

در مسیر فعالیتها و تبلیغات خود محمد و سارا بارها تهدید شدند. محمد میگوید "معمولا از طریق ایمیل یا در شبکه‌های اجتماعی تهدید میشویم. گاهی یکی بدون آن که هدف خاصی داشته باشد بد و بی‌راهی می‌گوید اما کسانی هم هستند که تهدیدهای جدی و مشخص می‌کنند.اولین بار که این اتفاق افتاد به پلیس زنگ زدیم. آنها اصلا متوجه قضیه نشدند. با اف‌بی‌آی تماس گرفتیم و آنها فهمیدند که قضیه جدی است." گزارش میگوید "چهار سال بعد، شبکه محمد و سارا - که با حضور داوطلبان و کمک‌های اهدایی اداره می‌شود - در ۲۵ شهر آمریکای شمالی حدود ۱۰۰۰ مسلمان سابق را جمع کرد. از ٢٠١٣ یک گروه اکس مسلم درست کردند."

از اسلام برگشتگان آمریکای شمالی بخشی از جنبش جهانی آتئیست ها و از دین بریدگان هستند که بسرعت در همه جا رو به گسترش است. فعالین و دست اندرکاران این جنبش به شیوه های مختلف با هم در ارتباط قرار دارند و این ارتباطات به انتقال تجربیات و گسترش بیشتر آنها کمک میکند. همانگونه که در ابتدا اشاره کردم جنبش اکس مسلم در آلمان و انگلستان رسما ابراز وجود کرد اما در ادامه خود با سرعت بسیار امید بخشی در بسیاری از کشورهای حتی اسلام زده جایگاه خودرا بدرجات قابل توجهی باز کرده است و فعالین و سخنگویان خودرا پیدا کرده است. این جنبشی است که باید با حمایت و پشتیبانی همه مردم آزاده و شریف بسیار بیش از اینکه هست تقویت شود و تعرض ارتجاع عقب مانده مذهبی به بشریت مدرن را تماما عقب براند.